

مروری بر تاریخ آموزش و پرورش اردبیل (بخش دوم: دوره پهلوی)

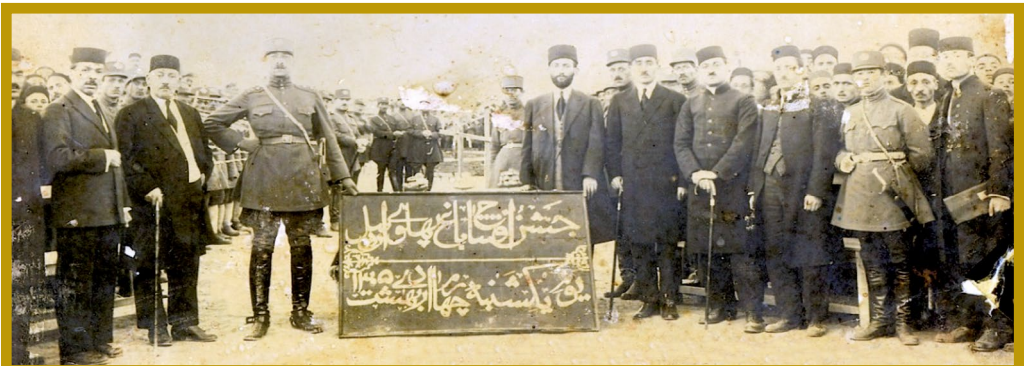
● اصغر تقی‌زاده شکبیا*

اشاره

در شماره قبل به‌طور خلاصه به ارائه تاریخ آموزش و پرورش اردبیل و مدارس تازه تأسیس در این منطقه پرداخته شد. در این شماره با توجه به شرایط فرهنگی و تأکید بر توسعه کمی آموزش و پرورش در دوره پهلوی به وضعیت آموزش و پرورش در این دوره به‌طور خلاصه پرداخته می‌شود.

□ تحولات فرهنگی و اداری در اردبیل

در سال ۱۳۰۵ ش.، هنگامی که مرحوم احمد خان محسنی، مأمور تشکیلات معارف آذربایجان شد؛ در شهر اردبیل نیز علاوه بر گسترش فعالیت‌های آموزشی، در اوضاع سیاسی و اجتماعی و نیز ساختار حکومتی آن تحولات چشمگیری رخ داده بود. از جمله این تحولات، می‌توان اجرای قانون سجل احوال اشاره کرد، که شادروان امیر تومان سید ابراهیم اسبق نمین، معروف به اعزاز‌الملک، به‌عنوان نخستین رئیس سجل احوال، مسئولیت تأسیس آن اداره را برعهده داشت.



نفر اول سمت چپ، آقا خان حبیبی، اولین شهردار اردبیل؛ نفر چهارم سمت چپ، کلبعلی خان، فرماندار نظامی اردبیل سال ۱۳۰۵

Email: asgharshakiba38@gmail.com

* مدیرمسئول بنیاد دایرةالمعارف و مرکز اسناد استان اردبیل

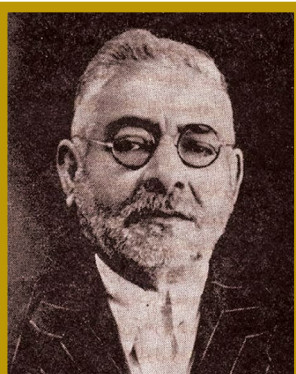


نفر وسط، سید ابراهیم خان اسبقی ملقب به اعزاز السلطان، اولین رئیس سجل احوال اردبیل

تحولات شهر اردبیل در این دوره، هم‌زمان با تحولات سراسری در ایران انجام می‌گرفت. از جمله این تحولات می‌توان به ایجاد اداره نظام وظیفه عمومی و به‌ویژه اجرای قانون بلدیه در اردبیل اشاره کرد، که قانون پیشرفته برای مدیریت شهری به شمار می‌رفت؛ اهمیت این قانون در آن بود که قانون بلدیه از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، در سال ۱۳۲۴ ق. برابر با ۱۲۸۵ ش. به تصویب رسید و به تدریج در شهرهای مختلف کشور،

از جمله اردبیل به اجرا درآمد. و به این ترتیب، یکی از آرمان‌های بزرگ نهضت مشروطه به ثمر نشست و در سال ۱۳۰۳ ش. میرزا بیوک آقا واهب‌زاده به‌عنوان نخستین شهردار افتخاری اردبیل، برگزیده شد. یک سال بعد، در سال ۱۳۰۴، سید جعفرقلی حبیبی (آقا خان حبیبی) به‌عنوان اولین شهردار رسمی اردبیل، منصوب گردید و به فعالیت خود ادامه داد.

از اولین اقدامات وی برای تغییر چهره شهر، احداث خیابان در سال ۱۳۰۷ ش. بود که دروازه تبریز به خط مستقیم به دروازه آستارا وصل شد و از تابر قاپوسی تا زنجیر به طرف دروازه آستارا، خیابان



اولین شهردار افتخاری اردبیل
میرزا بیوک آقا واهب‌زاده سال ۱۳۰۳

وسعی باز شد. افتتاح باغ ملی، تأسیس بانک ملی در سال ۱۳۰۶ش، از جمله اقداماتی بود که چهره اقتصادی و اجتماعی شهر را دگرگون ساخت. در عرصه فرهنگ و معارف نیز نیاز به تغییرات اساسی احساس می‌شد که با روی کار آمدن مرحوم دکتر احمد خان محسنی، مدارس دولتی جدید در اردبیل تأسیس گردید و به نوعی یک نهضت فرهنگی در اردبیل به وجود آمد.



دکتر احمد محسنی،
مأمور تشکیلات معارف آذربایجان

در این قسمت به شرح زندگانی مرحوم احمد خان محسنی، مأمور تشکیل معارف اردبیل پرداخته می‌شود:

مرحوم دکتر احمد محسنی قبل از اعزام به آذربایجان، مدیر کل وزارت معارف و اوقاف بود و مهم‌ترین مأمور وزارت معارف در آن زمان محسوب می‌شد. وی مدرک دکتری خود را از اروپا اخذ کرده بود و زبان فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست.

در تیرماه ۱۳۰۵ش، دکتر محسنی به‌عنوان ریاست تشکیلات معارف آذربایجان، وارد تبریز شد و مدت هفت سال تمام در آذربایجان، رئیس معارف بود؛ در این مدت، خدمات مهمی در فرهنگ آذربایجان انجام داد اغلب به نقاط مختلف آذربایجان مسافرت می‌کرد و از نزدیک به وضع معارف هر محل آشنا می‌شد. دکتر محسنی شخصی کارآمد و جدی و فعال بود؛ خدمات فرهنگی او در آذربایجان فراموش نشدنی است. در مدت هفت سال ریاست خود در آذربایجان، متجاوز از صد مدرسه تأسیس کرده است و بودجه معارف آذربایجان را با سعی و اهتمام خود از مقدار ناچیز به بالاترین میزان رساند، او اداره ایالتی معارف را نیز سرورسامان داد، اداره تفتیش (بازرسی) و دایره پرسنل (کارگزینی) را در اداره معارف، تشکیل داد. تا زمان ورود دکتر محسنی، اداره معارف مشتمل بر دفتر و محاسبات و اوقاف بود؛ ولی در زمان ریاست وی تشکیلات آن، گسترش یافت که شامل تفتیش و کارگزینی، محاسبات و دفتر و اوقاف گردید. (امید، ۱۳۳۲: ج ۱، ۲۱۳).



آقا خان حبیبی،
اولین شهردار رسمی اردبیل ۱۳۰۴

یکی از تحولاتی که برای نخستین بار در تاریخ آموزش و پرورش اردبیل رخ داد، تأسیس مدرسه دخترانه بود، که در زمان ریاست دکتر محسنی رخ داد.

تا سال ۱۳۰۵ش. در اردبیل از مدرسه دخترانه خبری نبود در همین سال است، که مقدمات تأسیس یک باب مدرسه چهار کلاسه انات در اردبیل فراهم گردید؛ ولی در آن سال، تأسیس این مدرسه ممکن نشد؛ ولی در سال‌های بعد، مدرسه مزبور تأسیس شد. آقای محمدعلی صفوت در سال ۱۳۰۵ به ریاست معارف اردبیل، منصوب شد. او وضعیت دبستان دخترانه اردبیل را در آن سال، چنین تعریف می‌کند:

از مهم‌ترین تحولات فرهنگی اردبیل، تأسیس مدرسه‌هایی بود که با

چندین سال فعالیت، موجب پیشرفت معارف جدید در فرهنگ اردبیل شدند؛ از جمله مهم‌ترین آن، مدرسهٔ تدین است که به شرح آن پرداخته می‌شود:

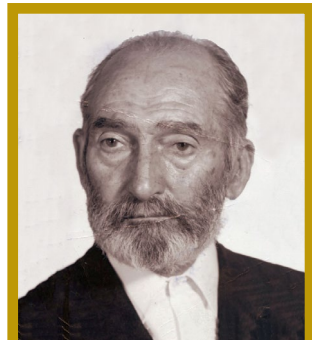


● مدرسهٔ تدین

شادروان میرزا عبدالمجید تدین در سال ۱۲۷۶ ش. در اردبیل به دنیا آمد، علوم قدیمه و خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانهٔ مرحوم میرزا عزیز فرا گرفت و از بدو تحصیل، علاقه خاصی به فراگیری دانش از خود نشان داد و میرزا عزیز فقید نیز به هوش و ذکاوت و استعداد وی، آن چنان توجهی داشت که شاگردان مکتب‌خانه در غیاب استاد خود، میرزا عبدالمجید را که در آن زمان فقط ۱۲ سال داشت، مسئول مکتب‌خانه می‌شناختند و برای رفع اشکالات خود به وی مراجعه می‌کردند، آقای علی تدین فرزند آن مرحوم، ضمن نقل مطالب فوق از قول پدر، اضافه می‌کند: طولی نکشید که میرزا عبدالمجید بنا به توصیه استاد خود، مکتب‌خانه مستقلی دایر و متعاقباً خانه‌ای در کوچه سنگر اجاره کرد و کلاس‌هایی به روش مدارس جدید تشکیل داد.

شادروان تدین در استمرار حیات فرهنگی خود با مقاومت‌هایی از سوی مخالفان مدارس جدید مواجه شد، که با درایت ویژه توانست بر موانع موجود، فائق آید. و در خصوص آخرین گزینه‌ای که داشت، از واژه دبستان در تابلوی آموزشگاه استفاده کرد، که نخستین بار بود که از این عنوان در تاریخ فرهنگ ایران استفاده می‌شد.

از سال ۱۳۰۸ ش، به بعد، دوران شکوفایی دبستان تدین آغاز شد؛ به طوری که



مرحوم میرزا عبدالمجید تدین،
مؤسس مدرسهٔ تدین

در سال ۱۳۲۰ آموزش دوره متوسطه نیز در آموزشگاه مذکور دایر شد. (نظری، ۱۳۹۱: ج ۲، ۲۸۲) پیشرفت و افتخارات مدرسه تدین مرهون علاقه و فداکاری‌های وصف‌ناپذیر مدیر و مؤسس آن بود. تلاش و کوشش صمیمانه همکاران دیگر مرحوم تدین، به‌ویژه کسانی مثل: شادروان آقای سیدمهدی مهدوی‌الاصل، معروف به «آقا ناظم» و مرحوم آقای حسن وحیدی، دبیر نابینا ولی دانشمند روشن‌بین در این امر بسیار مؤثر بود، مردانی که در صفا و صداقت و آشنایی به رموز تعلیم و تربیت شاید در فرهنگ این ولایت هرگز نظیری پیدا نکنند.



هزینه مدرسه تدین و دیگر مدارس ملی اردبیل، با وجوه دریافتی از دانش‌آموزان به‌عنوان شهریه تأمین می‌شد. با این حال به تدریج، با افزایش اعتبار و امکانات مدارس دولتی و جاذبه بیشتر آنها برای جذب محصلان، درآمد مدارس ملی کاهش یافت. این کاهش درآمد، سرمنشأ بسیاری مشکلات دیگر نیز شد تا آن جا که سرانجام ادامه فعالیت برای آنها دشوار گردید و به‌ناچار این مدارس به اداره فرهنگ اردبیل واگذار شدند. (صفری بابا، ۱۳۷۰: ج ۳، ۲۰۹ و ۲۱۰)

در مکتب‌خانه وی دروس فارسی، عربی و قرآن تدریس می‌شد و شاگردان بسیاری داشت، میرزا مجید تدین در سال ۱۲۹۹ ش، اولین مدرسه ابتدایی ملی تدین را با اخذ مجوز

رسمی، پایه‌گذاری کرد. میرزا دستور داده بود تا جهت اعلام حضور دانش‌آموزان در کلاس درس، و به‌جای زنگ، دانش‌آموزی خوش صدا آیه ۵۶ سوره احزاب را با صدای بلند قرائت نماید و هر وقت که نوای قرآن به گوش می‌رسید، دانش‌آموزان با ذکر صلوات و با رعایت نظم و ترتیب و ادب در کلاس درس حاضر می‌شدند.



بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»
«خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید.» (سوره احزاب، آیه ۵۶)

پس از گذشت چندین سال از افتتاح مدرسه تدین، میرزا عبدالمجید تدین به استخدام اداره آموزش و پرورش اردبیل درآمد، بنای زیبا و مجلل مدرسه تدین تا سال ۱۳۶۰ش، سالم و تخریب نشده باقی مانده بود، ساختمان این مدرسه با پنجره‌های ارسی زیبا، بسیار

دیدنی بود و مدرسه بیش از ۱۲۰۰ متر مربع مساحت داشت. قبل از آن که مرحوم تدین این خانه را اجاره نماید، ملک خصوصی حاج لطفعلی و حاج یعقوب نظیری وراث ایشان بوده که در کوچه حسن آباد پیرعبدالملک جنب کوچه سنگر، واقع شده بود.

در زمان مرحوم تدین، برخی از شاگردان که نمی‌توانستند شهریه بپردازند خود مرحوم، شهریه و حتی هزینه خرید کاغذ، قلم و سایر هزینه‌های آنها را به صورت مخفیانه پرداخت می‌کرد. برای تأیید این مسئله باباصفری نویسنده کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ در خاطرات خود با عنوان در گذرگاه عمر، در مورد مرحوم تدین می‌نویسد:

«چون مرحوم آقا میرزا احمد خوشنویس تصمیم گرفت که به عتبات عالیات در عراق برود و در آن جا ساکن و معتکف گردد و لذا مکتب را تعطیل کرد، این واقعه زمانی بود که در جامعه اردبیل نام دبستان تدین گل کرده بود و پدر و مادرها غالباً فرزندان خود را برای تحصیل بدان جا می‌سپردند، آقای تدین در آن ایام جوانی سی یا سی‌وپنج ساله بود که در مکتب مرحوم آقا میرزا عزیز تحصیل نموده و به سبک جدید در محله حسن آباد (اول کوچه سنگر) دبستانی دایر کرده بود و مادرم هجدهم اسفند ماه ۱۳۰۹ ه. ش، بود که مرا به آقای تدین سپرد و این جمله را بیان کرد: که او را برای تحصیل به شما می‌سپارم، گوشتش مال شما و استخوانش مال من: یعنی مدرسه حق هرگونه تنبیه مرا دارد.

آقای تدین کتابی را باز کرد و من چند جمله از آن خواندم، ایشان مستخدم را صدا کرد و گفت مرا به کلاس دوم ببرد و به معلم کلاس بسپارد، و به مادرم گفت که ماهانه سی شاهی (یک قران نیم) شهریه باید بپردازد.

چند روز بعد عید نوروز فرا رسید و مدرسه تعطیل شد، من هم درس‌های گذشته را از روی کتاب خواندم و دو ماه دیگر در امتحان آخر سال شرکت نموده و در بین ۲۳ نفر شاگرد نفر سوم شدم.

خدا رحمت کند آقای تدین و همه مدیران و معلمان مدارس آن روز اردبیل را که رسم بسیار مطلوب و پیشرفته‌ای را در امتحانات آخر سال معمول می‌داشتند، بدین معنی که طبق برنامه‌ای دقیق و روشن در هفته دوم خرداد امتحانات کتبی کلاس‌ها را برگزار می‌کردند.

آن گاه میز و نیمکت‌های کلاس‌ها را بر می‌داشتند و دور اتاق‌ها صندلی و میز عسلی می‌گذاشتند و امتحانات شفاهی را که روز و ساعت آن را به صورت برنامه‌ای که قبلاً نوشته شده بود در کلاس‌ها نصب می‌کردند، آغاز می‌نمودند.

به موازات این کار، نامه‌ای برای بیشتر اولیای اطفال نوشته از آن‌ها دعوت می‌کردند که برای اطلاع از نحوه فعالیت‌های تحصیلی فرزندان‌شان و تشویق آنان در جلسات امتحانات شفاهی شرکت نمایند، اولیا که می‌آمدند در همان کلاس درس فرزندان‌شان با چای و شیرینی پذیرایی می‌شدند و چگونگی جواب شاگردان را به سوالات ممتحنان ملاحظه می‌نمودند، دانش‌آموزان برای آن که پیش این قبیل مهمانان سربلندتر باشند، در بازخوانی درس‌ها و بهتر جواب دادن به سوالات امتحانی فوق‌العاده کوشش می‌کردند.



رسم دیگر دبستان تدین این بود که پس از ختم همه امتحانات روزی را با تشریفات و جشن مانند برای اعلام نتیجه معین می‌کردند و آن روز دانش‌آموزان غالباً همراه اولیا خود به مدرسه می‌آمدند و طبیعی است که پذیرفته شدگان در امتحانات شادمان تر می‌بودند، آقای تدین به شاگردان اول، دوم و سوم هر کلاس به تناسب جوایزی که به لفظ فرانسوی «پری» می‌گفتند می‌داد، در همان سال اول پری من که شاگرد سوم در کلاس دوم شده بودم یک عدد مداد که عکس پهلوی اول در روی آن بود و به‌تازگی به بازار آمده بود به من دادند.

در سال‌های بعد گویا آقای تدین از امکانات مالی نه چندان خوب خانواده ما با خبرگشته بود و دیگر از من شهریه نمی‌گرفت و امتحانات آخر سال نیز که من شاگرد اول کلاس می‌شدم کتاب‌های سال جدید را به‌عنوان پری به من می‌داد و بدین‌سان خانواده‌ام تحت فشار تأمین هزینه‌های تحصیلی من قرار نمی‌گرفت.» (باباصفری، ۱۳۷۵: ۵۷).



سخنرانی مرحوم تدین در مراسم تجلیل از وی در سالن آمفی تئاتر دبیرستان بهلولی اردبیل

در سال ۱۳۵۰ش، گروهی از شاگردان عبدالمجید تدین با هماهنگی بابا صفری و همراهی جمعی از بزرگان و فرهیختگان، با بیست دستگاه اتوبوس از تهران عازم اردبیل شدند تا در مجلس تجلیل و بزرگداشت بزرگان فرهنگ اردبیل شرکت کنند. آنان در کنار مردم فرهنگ دوست اردبیل، در یکی از دبیرستان‌های این شهر (دبیرستان پهلوی) گرد هم آمدند در آن مجلس تاریخی حضور یافتند.

در منزل شخصی و بزرگ مرحوم تدین، که حدود ۱۳۰۰ متر مربع وسعت داشت و واقع در محله سیدآباد بود، مراسم تفسیر قرآن و نهج البلاغه نیز دایر می‌شد و برخی از مردم، جهت رفع مشکل شخصی خویش آنجا می‌رفتند. مرحوم تدین دارای ده فرزند، شامل پنج دختر و پنج پسر بود.

میرزا مجید تدین در پنجم آذر ماه سال هزار و سیصد و شصت و چهار هجری شمسی، دارفانی را وداع کرد و در قبرستان بهشت فاطمه، کوچه جمعه مسجد به خاک سپرده شد. (بلبلی، ۱۳۹۱: ۴۳۷-۴۳۱).



● مدرسه هدایت

دبستان و دبیرستان ملی هدایت اردبیل، از مدارس قدیم این شهر است، که با همت شخص فرهنگ دوست معممی به نام شادروان حاج سید یوسف هدایت‌اللهی تأسیس شد. وی ابتدا مکتب‌خانه‌ای تأسیس کرده بود، که چند صباحی از اداره آن نمی‌گذشت که تحولی در نوسازی ادارات ایجاد شد، که مکتب‌خانه‌ها هم از این امر مستثنی نبودند؛ در نتیجه در سال ۱۳۰۰ش، او با اخذ امتیاز تأسیس دبستان به شکل امروزی با کلاس‌های متعدد و میز و صندلی و تخته سیاه، همچنین معلمان جداگانه، در کوچه قاجاریه مدرسه‌ای دایر نمود و به مرور زمان با افزایش تعداد دانش‌آموزان و نیاز به مکان بزرگتر و اتاق‌های بیشتر، به کوچه شهیدگاه نقل مکان کرد و چندی بعد به خاطر حسن خدمت، با درخواست ایشان برای تأسیس دبیرستان از طرف وزارت متبوعه، موافقت گردید؛ لیکن به علت نامأنوس بودن کلمه دبستان و دبیرستان، ناچار تا مدتی تابلو مدرسه را با جمله مدرسه مبارکه هدایت یا مدرسه هدایت می‌نوشتند.



شادروان حاج سید یوسف هدایت‌اللہی، مؤسس مدرسه هدایت

یکی از ارکان مهم استمرار خدمت ۵۸ ساله این مدرسه، همکاری آموزگاران و دبیران با تجربه و دلسوز و به‌خصوص حضور برادران آن مرحوم، به نام‌های مرحوم حاج سید رضا محقق، که در آن زمان به خاطر سربازی شهرت محقق را کسب کرده بودند و بیشتر همشهریان محترم، ایشان را به نام حاج ناظم می‌شناختند و مرحوم حاج سید حمدالله بودند، که در این مدت از هیچ‌گونه کوششی مضایقه ننمودند، لیکن برادر کوچک‌تر ایشان مرحوم سید حمدالله، پس از مدتی برای ادامه تحصیل عازم تهران شدند، ولی مرحوم حاج سید رضا تا زمان بازنشستگی، همچنان در نظامت مدرسه در تلاش مضاعف بود، تا این که پس از بازنشستگی آن‌ها، فرزندان آن مرد بزرگ اداره مدرسه را برعهده گرفتند و یار و یاور برادر بزرگتر خود مرحومین حاج سید یوسف و حاج سید رضا بودند. نام آن‌ها سید محمدتقی هدایت‌اللہی و سید محمدرضا محقق بود.

از وقایع مهم این مدرسه در مدت ۵۸ سال می‌توان به سال‌های ۱۳۲۰ شمسی به بعد، اشاره نمود که با تبعید پهلوی اول و سپس وقایع آذربایجان، باعث شد از تعداد دانش‌آموزان مدارس کاسته شود.

با ادغام مدرسه‌های معرفت، هدایت و رفعت، مدرسه مهر تأسیس شد که نامش برگرفته که از حرف اول سه مدرسه ذکر شده، بود. این همکاری تا چند سال ادامه داشت و سپس مرحوم حاج سید یوسف هدایت‌اللہی با برادرش حاج سید رضا محقق (حاج ناظم) با انتقال به محل جدید در خیابان سی متری فعلی، اول کوچه ارمنستان دوباره دبستان و دبیرستان هدایت را که بعدها دوره راهنمایی تحصیلی نیز به آن اضافه گردید و مقاطع دبستان، راهنمایی تحصیلی و دبیرستان در رشته‌های ادبی و طبیعی تا سال ۱۳۵۸ دایر بود، که افراد تحصیل کرده زیادی تحویل جامعه داده که هر یک در رشته‌های خود مثمر ثمر بودند.



حاج سید یوسف هدایت‌اللہی،
مؤسس مدرسه هدایت



مصداق حسن خدمت و حسن شهرت مؤسس این مجموعه فرهنگی، نامه وزارت متبوعه در پرونده اداری اوست، که وقتی مقرر شد به کلیه مدارس ملی سراسر کشور، فردی از طرف اداره آموزش و پرورش با عنوان مدیر مسئول اعزام شود، استثنائاً از اعزام چنین فردی به مدرسه هدایت، به دلیل حسن خدمت و شهرت وی خودداری شد. این مؤسسه پس از ۵۸ سال تلاش مستمر، که همواره به خدمت صادقانه با توکل به خدا مشغول بوده در سال ۱۳۵۸ با آغاز انقلاب اسلامی همراه با کلیه مدارس ملی کشور، تعطیل شد و دانش آموزان این مدارس به مدارس دولتی معرفی و اعزام شدند. (نظری، ۱۳۹۱: ۲۹۰ و ۲۹۱).



حاج سید رضا محقق (حاج ناظم) برادر مرحوم هدایت‌اللهی

◎ حاج سیدرضا محقق، معروف به حاج ناظم

روز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۴، شادروان حاج سید رضا محقق، معروف به حاج ناظم، آخرین بازمانده مدرستان دبیرستان ملی هدایت، دارفانی را وداع گفت. آن مرحوم ابتدا در کسوت روحانیت، به تحصیل علوم دینی مشغول بود و سپس با اخذ گواهی فراگیری علوم جدید و کسب فیض از محضر استادانی چون مرحوم فروزانفر و مرحوم مشکوه به دانشکده معقول و منقول (الهیات فعلی) راه یافت، لکن به سبب مشکلات و نیاز کادر آموزش دبیرستان ملی هدایت به مدیریت برادرش، موفق به اتمام دوره دانشکده نشد و به اردبیل بازگشت و در آموزشگاه مذکور عهده دار امور نظم و تدریس علوم ریاضی شد. (تاشای زندگی، سال چهارم، ش ۶ و ۷، اردیبهشت ۱۳۷۵، ۶۸).



مراسم نیمه شعبان در مدرسه هدایت، از سمت چپ نفر اول مرحوم هدایت‌اللهی

◎ مدرسه معرفت

غیر از دو مدرسه تدین و هدایت، مدارس ملی دیگری نیز در شصت سال اخیر از طرف اشخاص علاقه‌مند، تأسیس شد و هر یک در دوران فعالیت خود، مدتی درخشیدند؛ ولی به تدریج روبه افول گذاشتند و عدم امکان تأمین مخارج، آن‌ها را یکی بعد از دیگری محکوم به تعطیلی کرد.

یکی از این مدارس، مدرسه معرفت بود که در ۱۳۰۱ ش، به وسیله آقای محمد معرفت، پایه‌گذاری شد و تا مدتی بعد از شهریور ۱۳۲۰ نیز دایر بود، پیدایش مدارس دولتی و روی

آوردن دانش آموزان به آن مدارس، درآمد مالی این مدرسه را نیز با مشکلاتی مواجه کرد، تا آن جا که آقای معرفت خود به ناچار به استخدام وزارت دادگستری درآمد و در دادگستری اردبیل، با سمت های اداری، مشغول خدمت شد و چندی بعد نیز مدرسه در محاق تعطیلی قرار گرفت.

● مدرسه صداقت



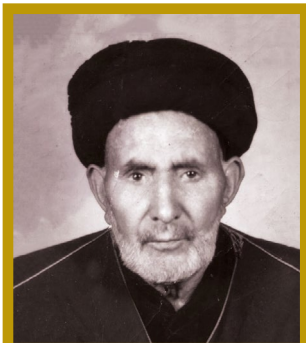
شادروان میرزا شفیق شیرانی،
مؤسس مدرسه صداقت

مدرسه صداقت در سال ۱۳۰۲ش، توسط شادروان میرزا شفیق شیرانی تأسیس شد و سال های متمادی به فعالیت فرهنگی خود ادامه داد و بنا به نوشته مرحوم بابا صفری در جلد سوم کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ، به علت عدم موازنه مالی و فوت مرحوم شیرانی، مدرسه صداقت منحل شد.

● مدرسه رشديه

شیخ محمود رشديه، مردی با تقوا و مسلمان و با احتیاطی بود و در حوالی سال ۱۳۱۴ش، مدرسه ای به نام رشديه دایر کرد و با علاقه و جدیت خستگی ناپذیر به تربیت محصلان پرداخت، اما فعالیت آن بیش از چند سال طول نکشید و مرگ، طومار عمر مرحوم شیخ محمود و به تبع آن رشته حیات فرهنگی مدرسه رشديه را در هم پیچید.

● مدرسه رفعت



سید اسماعیل مجتهدی،
مؤسس مدرسه رفعت

مدرسه ملی رفعت در سال ۱۳۱۴-۱۳۱۳ توسط سید معممی به نام مرحوم سید اسماعیل مجتهدی، پایه گذاری شد و به نشر معارف جدید پرداخت و سرانجام پس از مدت ها فعالیت به اداره فرهنگ اردبیل ملحق شد. حجت الاسلام سید اسماعیل فاضل مجتهدی (ره) فرزند زنده یاد میر کاظم مرحوم، در اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی در کوچه جمعه مسجد شهر اردبیل و در یک خانواده متدین متولد شد. او به علت داشتن علاقه شدید به فراگیری علم و فقه بیشتر اوقات را در حضور عمومی گرمی خود، حجت الاسلام سیدعلی مجدالاسلام، که از روحانیون معروف بودند می گذراند و با معرفی ایشان، به حوزه علمیه قم راه یافت و در آن جا به تحصیل مشغول شد.

مرحوم سید اسماعیل مجتهدی پس از گذراندن دوره های مخصوص و تحصیل علم، به جهت فعالیت در عرصه فرهنگی و اجتماعی، به اردبیل بازگشتند. ایشان علاقه داشتند محیطی فراهم سازند تا جوانان مستعد بتوانند در محلی جمع شده و به تحصیل علم بپردازند. در این راستا و در طی چندین سال فعالیت، مدرسه رفعت را تأسیس کردند و سپس با همکاری دیگران، مدرسه ملی متحدمهر را تأسیس کردند. در این راه دونفر از زحمت کشان فرهنگ آن زمان و هدایت الهی در این امر همکاری داشتند.



مراسم نیمه شعبان، از سمت راست نفر اول مرحوم مجتهدی

در این مدراس، بزرگانی همچون زنده‌یاد حضرت آیت‌الله مروج (ره)، دکتر جلابی، دکتر پورابوالقاسم، دکتر منافزاده، دکتر وهابزاده، دکتر یحییوی و ... درس خواندند و منشأ خیر در جامعه شدند و زنده‌یاد سید اسماعیل فاضل مجتهدی در آموزش دروس مقدماتی، استاد ایشان بود. زنده‌یاد حاج اسماعیل فاضل مجتهدی در کوچه جمعه مسجد نیز از ریش سفیدان محل بودند و مردم محل نیز از ایشان حرف‌شنوی داشتند. وی در ۲۴ اسفند ماه سال ۱۳۵۹، دار فانی را وداع و در آرامگاه ابدی بهشت فاطمه اردبیل، به خاک سپرده شدند.



شروع سال تحصیلی مدرسه مهر و دعای مرحوم مجتهدی

◎ مدرسه مهر

از سال ۱۳۲۰ ش، به بعد، با تبعید پهلوی اول و سپس وقایع آذربایجان، باعث شد از تعداد دانش آموزان مدارس کاسته شود و به ناچار مؤسسان مدارس ملی هدایت، رفعت و معرفت با همکاری یکدیگر دبستان متحده ملی مهر را تشکیل دادند که حرف «م» کلمه «مهر» از حرف اول نام مدرسه «معرفت» و «ه» از نام مدرسه «هدایت» و «ر» از نام مدرسه «رفعت» گرفته شد که مرحوم حاج میراسماعیل فاضل مجتهدی، صاحب امتیاز مدرسه رفعت و مرحوم آقای معرفت صاحب امتیاز مدرسه معرفت را به عهده داشتند. این همکاری تا چند سال ادامه داشت تا اینکه آن‌ها از ادامه همکاری صرف نظر کردند. مرحوم حاج سید یوسف هدایت‌اللهی با برادرش حاج سیدرضا محقق (حاج ناظم) دبستان و دبیرستان هدایت را برای بار دوم تأسیس کردند.



در زمان تأسیس دبستان متحده ملی مهر، جمعی از فرهنگیان خوش نام اردبیل از جمله روان شاد نصرت‌الله درخشان و مرحوم حاج ناظم با وجود مشکلات مالی و اداری، تا اواسط سال ۱۳۳۳ ش، در آموزشگاه مذکور به تعلیم و تربیت فرزندان اردبیل همت گماشتند. متأسفانه با فشار روزافزون و بی‌مهری اولیای فرهنگ وقت، این اتحاد از هم پاشید.

منابع

۱. ابن بزاز اردبیلی، (۱۳۷۶) درویش توکل: صفوه الصفا، تصحیح غلام رضا طباطبایی، چاپ اول، تهران: انتشارات زریاب.
۲. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه‌ی ابن حوقل، ترجمه دکتر شعار، تهران: امیرکبیر.
۳. ابن خرداد به، ابوالقاسم، عبیدالله ابن عبدالله، (۱۸۸۹)، المسالك و الممالک (عربی)، بیروت.
۴. جوادی، دکتر سید مهدی، (۱۳۷۵)، «ادیان و مذاهب در اردبیل»، ماهنامه تماشای زندگی، شماره ۳۳ و ۳۴، تیر ماه.
۵. اشیپولر، برتولد، (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمه فلاطوری، تهران: علمی فرهنگی.
۶. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۶۸)، مسالك و الممالک، ترجمه ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
۷. اعتمادالسلطنه، (۱۳۶۷)، مراه البلدان، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۸. امیری، پیمان، (۱۳۸۴)، در جستجوی هویت شهری اردبیل، تهران: مسکن و شهرسازی.
۹. امید، حسین، (۱۳۳۳)، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ۲ جلدی، تبریز.
۱۰. «اوضاع اردبیل»، (۱۳۲۷ق/ ۱۹۰۹)، ایران نو، تهران، س ۱، شماره ۷۲.
۱۱. اولناریوس، آدام، (۱۳۶۹)، سفرنامه آدام اولناریوس، ج ۲، ترجمه حسین کرد بچه، انتشارات شرکت کتاب برای همه.
۱۲. بارتولد، و. و. (بی تا)، خلیفه و سلطان، ترجمه سیروس ایزدی.
۱۳. بکران، محمدنجیب، (۱۳۴۲)، جهان نما، ترجمه محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات کتاب خان ابن سینا، چاپ تابان.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش.
۱۵. بلبلی، ربعلی، (۱۳۹۱)، عزاداری در اردبیل، ج ۳، انتشارات کتاب.
۱۶. به آذین، داریوش، (۱۳۵۵)، «اردبیل»، مجموع سخنرانیهای ششمین کنگره تحقیقات ایرانی، تبریز.
۱۷. بیرونی، ابوریحان، (بی تا)، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
۱۸. پیتروشفسکی، ایلیا پاولویچ، (۱۳۶۳)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران.
۱۹. تربیت، محمدعلی، (۱۳۷۸)، دانشمندان آذربایجان، چاپ اول.
۲۰. جامعی، بیوک، ۱۳۷۴، نگاهی به آثار و ابدیهی تاریخی اردبیل، تهران.
۲۱. جوادی، سید مهدی، «جغرافیای تاریخی سیلان»، مجله‌ی تماشای زندگی، شماره‌های ۳۳ و ۳۴، تیرماه ۱۳۷۵.
۲۲. جوادی، سیدمهدی، «زادگاه محقق اردبیلی»، کیهان اندیشه، شماره ۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۵.
۲۳. حموی، یاقوت، (بی تا)، معجم البلدان؛ دارصادر، ترجمه متن عربی، بیروت: دارصادر.
۲۴. حموی، یاقوت، (۱۳۹۹ق) معجم البلدان، ترجمه منزوی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۵. خاماچی، بهروز، (۱۳۷۵)، فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی، سروش.
۲۶. خلخالی، عبدالرحیم، (۱۳۵۰)، بقعه شیخ صفی، تهران: ارمغان.
۲۷. دانشنامه‌ی ایران و اسلام شماره ۱۱، (بی تا).
۲۸. دایرةالمعارف، آذربایجان شوروی، باکو، ج ۴، ۱۹۷۶.
۲۹. دایرةالمعارف، اسلام (انگلیسی)، لیدن، CD، ماده «اردبیل».
۳۰. دایرةالمعارف، اسلام (ترکی)، استانبول.
۳۱. دایرةالمعارف، امریکانا، CD، ۱۹۷۲.
۳۲. دایرةالمعارف، بریتانیکا (انگلیسی)، ۱۹۷۱.
۳۳. دلاواله، پیتر، (۱۳۷۵)، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۴. دمورگان ژان، (۱۳۳۸)، مطالعه‌ی هیئت علمی فرانسه در ایران، تبریز.

۳۵. دیباج، اسماعیل، (۱۳۴۷)، «بناهای تاریخی باقی مانده در اردبیل»، بررسیهای تاریخی، س ۳، ش ۱.
۳۶. روملو، حسن، (۱۳۵۷)، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
۳۷. سامی، شمس‌الدین، (۱۳۱۶ق) قاموس الاعلام ترکی، استانبول.
۳۸. ستوده نمین، فرح بخش، (۱۳۷۸)، تاریخ و فرهنگ نمین، انتشارات شیخ صفی.
۳۹. شیروانی، زین العابدین، (۱۳۳۹)، ریاض السیاحه، سعدی.
۴۰. صفری، بابا، (۱۳۷۱)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ۳ مجلد، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اردبیل.
۴۱. طرح مطالعات جامع توسعهی استان اردبیل، سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل.
۴۲. قزوینی، زکریا، (بی‌تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، تصحیح صبحی از روی چاپ تهران و هند.
۴۳. قره‌چانلو، حسین، (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۴۴. کتاب اسامی دهات کشور، (۱۳۲۷) اداره ی آمار و سرشماری، تهران.
۴۵. گلمغانی‌زاده‌ی اصل، ملکه، (۱۳۸۴)، باستانشناسی و تاریخ هنر بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل: نیک آموز.
۴۶. لسترنج، گای، (۱۳۶۷)، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی؛ ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
۴۷. لکهارت، لارنس، (۱۳۸۰)، انقراض سلسله‌ی صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت علمی فرهنگی.
۴۸. مارکوارت، یوزوف، (۱۳۳۷)، ایران شهر، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات علمی.
۴۹. محمد هدایتی، محمود، (۱۳۹۱)، تاریخ شهر و شهرداران اردبیل، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
۵۰. _____، (۱۳۹۱)، تاریخ شهر و شهرداران نمین، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
۵۱. _____، (۱۳۹۱)، تاریخ شهر و شهرداران سرعین، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
۵۲. _____، (۱۳۹۲)، عشایر، امنیت، مرز، دفتر تحقیقات نیروی انتظامی استان اردبیل، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
۵۳. _____، (۱۳۹۰)، صریح‌الملک سواد وقفنامه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اوقاف استان اردبیل، انتشارات اسوه.
۵۴. مزای، میشل، (۱۳۷۹)، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات گستره.
۵۵. مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، نزه القلوب، به اهتمام لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
۵۶. مقدسی ابو عبدالله، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۵۷. میرخواند، محمد، (۱۳۳۹)، روضه الصفا، ج ۱، تهران: خیام.
۵۸. میراحمدی، مریم، (۱۳۶۷)، دین و دولت در عصر صفوی، تهران: امیر کبیر.
۵۹. نامعلوم، (۱۳۷۲)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهام، تهران: دانشگاه الزهرا.
۶۰. موسوی ننه کران، میرفرخ‌الدین، (۱۳۴۷)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد ۱ و ۲، چاپ نجف اشرف.
۶۱. نعمت‌اللهی، بهروز، (۱۳۸۰)، تاریخ جامع آستارا و حکام نمین، اردبیل: انتشارات شیخ صفی.
۶۲. هارون، شفیقی، (۱۳۶۵)، عرفا و علماء عنبران، خود نویسنده اثر را منتشر کرده است.